

مکان‌هایی که رسانه انقلاب شدند

تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی در ایران درحالی به نیمه چهارمین دهه خود رسیده که هنوز هم می‌توان از زوایای متفاوتی به آنچه 35 سال قبل رخ داد، نگریست.



تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی در ایران درحالی به نیمه چهارمین دهه خود رسیده که هنوز هم می‌توان از زوایای متفاوتی به آنچه 35 سال قبل رخ داد، نگریست. برخی حوادث آن روزها همچنان زنده و اثرگذار بر مختصات ذهنی اندیشمندان و پژوهشگران است و هنوز هم می‌شود پس از 35 سال از آموزه‌های انقلاب درس گرفت و آن را چراغ راه امروز کرد. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های زنده ماندن انقلاب در اذهان عمومی - با آن که برخی گذر 30 سال بر حوادث سیاسی را نشانه‌ای از تاریخی شدن آن حادثه می‌دانند - نشانه‌های مکانی و زمانی است که از روزهای انقلاب به یادگار مانده است. از خیابان‌ها و مساجد و مراکز تجمع انقلابیون گرفته تا روزهایی که تمام شهرهای کشور را موج راهپیمایی‌های انقلابی فراگرفته بود و خاطره همین رویدادهاست که باعث شده پس از 35 سال، هنوز هم بهمن، ماهی امیدبخش باشد برای پیروزی.

در دیگر انقلاب‌ها نیز می‌توان ردپایی جست برای این نمادها با مختصات جغرافیایی. انقلاب مصر و سقوط حسنی مبارک چندان دور نیست و هنوز میدان تحریر قاهره از یاد نرفته است. یا میدان لؤلؤ نماد انقلاب بحرین درست بسان میدان التّغییر صنعاً یا میدان حبیب بورقیه که پس از خودسوزی جوان انقلابی تونس شد میدان انقلاب. پیش از اینها هم در انقلاب 1968 فرانسه دانشگاه سوربن یا محله کرتیه لاتین نمادین شد یا در جنبش ضدآپارتاید آفریقای جنوبی جزیره روبن که مکان تبعید نلسون ماندلا بود به مبارزه شهره گشت. مکان‌هایی که جنب و جوش انقلاب را تا سال‌ها به یاد شهروندان این کشورها آورده و می‌آورند. در جریان انقلاب 57 هم نقش مکان‌ها گاه همین گونه بود، نقشی هویت‌ساز فراتر از معماری و نقشه و ظاهر سنگی یا فلزی آن. هر مکانی نمادی از حضور قشری بود در گستره حضور مردم در انقلاب.

مهم نیست که از کدام قشر باشید. دانشجوی یا بازاری، روحانی یا کارگر، هر قشری در تاریخ انقلاب اسلامی برای بازشناسی جایگاهش میان توده‌های انقلابی، نشانه‌ای دارد. نشانه‌ای که گاهی نماد حضور میلیونی انقلابیون است، چونان میدان ژاله یا میدان شهید در اجتماعات گسترده سال 57 و گاهی نیز محفلی برای رسیدن به خودآگاهی و آشنایی با مولفه‌های اسلام مبارز است که یادها را می‌برد به سوی حسینیّه ارشاد و مسجد جلیلی.

کیست که فراموشش شده باشد برنامه‌هایی را که شهید مفتاح برای سخنرانی‌های پرشور ایام انقلاب در مسجد قبا در نظر گرفته بود یا از یاد برده باشد حضور میلیونی نمازگزاران را پس از نماز عید فطر سال 57 در تپه‌های قیطریه؟ دانشگاه تهران هم از سال 32 به این سو کانونی بود برای دانشجویان انقلابی، همان دانشجویانی که سالگرد شهدای دانشجو در 16 آذر 32 را طی سال‌های 56 و 57 چنان باشکوه برگزار کردند که لرزه انداخت بر تن رژیم سرکوب و تظاهرات 13 آبان 57 آنها نیز خود نمادی شد از خروش توده‌ها علیه رژیم شاهنشاهی.

بازار اما خود نشانه‌ها و نمادهای انقلابی بسیاری داشت. از مسجد آذربایجانی‌ها و سید عزیزالله که سال‌ها قبل نماد اعتراضات مردمی بود بگیرد تا اعتصابات گسترده بازاریان و همراهی با توده‌های مردم، همه نشانه‌ای از مشارکت بازاری‌ها بود در انقلاب. همان بازاریانی که مساجد پایتخت را تبدیل کرده بودند به مرکز ساماندهی نیروهای انقلاب؛ چه مسجد لرزاده که سخنرانی‌های عمیدزنجانی در دهه 50 در آن زبانزد بود و چه مسجد جلیلی که آیت‌الله مهدوی‌کنی مدیریتش می‌کرد و شهید مطهری در آن سخن می‌راند و موجی از نیروهای انقلابی را تربیت می‌کرد. به اینها کارگرانی را هم که در اعتصابات فراگیر نیمه دوم سال 57 کمر رژیم سلطنتی را شک

را در راستای احیای سنت چهل شهدا از یاد ببرد یا به نقش مسجد جامع کرمان در حوادث روزهای انقلاب اشاره نکند؟

همه این حضور نمادین اماکن در فرآیند انقلاب اسلامی شد شناسنامه ای که جغرافیای مبارزات سیاسی را به کل پهنه کشور بسط می داد و حالا 35 سال پس از پیروزی این انقلاب هیچ کس نمی تواند دستاوردهای این انقلاب تاریخ ساز را به نقش آفرینی یک قشر و یک جریان فروبکاهد، بلکه با نگاهی به این طیف وسیع اماکن انقلابی می توان با قاطعیت گفت انقلاب 57 نمادی از مشارکت همه اقشار و گروه ها بود که در مقطعی از تاریخ به نظام سلطنت «نه» گفته و جمهوری اسلامی را جانشین ساختار حکومت پیشین کردند.

ناسیونالیسم افراطی، سرسپردگی سیاسی به مدرنیسم غیرومی، تبعیض اقتصادی، ناکارآمدی اداری و بروکراتیک و شکاف های درونی رژیم پهلوی، همه و همه رژیم پهلوی را به چنان نقطه ای رسانده بود که چشم اندازی جز سقوط در پیش روی خود نمی دید. فقدان درک روشن مفهوم اراده مردم در انگاره های ذهنی شخص اول مملکت و تکیه بر سیاست های آمرانه، در فرجام رویای تمدن بزرگ را به کابوس اضمحلال سلطنت بدل کرد و باعث شد غبار فراموشی برای همیشه بر چهره آخرین شاه ایران بنشیند.

اکنون 35 سال پس از این حادثه شگرف، مکان ها برای نسل جوان انقلاب نادیده، فقط مکانی برای مرور برخی خاطرات دوری که از طریق نسل گذشته یا رسانه ها به آنان منتقل شده، نیست بلکه نمادی است برای مشق استقامت و ایستادگی بر آرمان ها و باورها تا گسست نسلی، انقلاب اسلامی را به سرنوشت برخی دیگر از جنبش های بی فرجام شبیه نسازد.

هرچند نسل های جدید انقلاب در عرصه های دیگری چون دفاع مقدس، سازندگی و توسعه علمی ایران همت خود برای پیگیری آرمان های انقلاب را بخوبی نشان داده، اما هنوز هم برخی مکان ها برایشان یادآور شکوه پیروزی است و به همین خاطر هر سال با حضور در برخی از این اماکن نمادین عهد خود را با آرمان های انقلابی تجدید می کنند. این نسل بخوبی می داند تبدیل کردن کاخ ها و زندان ها به موزه و تغییر نام خیابان ها و کوچه ها از عناوینی شخص محور به حماسه محور با چه رویکردی انجام شده است و چه پیامی دارد.

بی تردید اکنون چهار دهه پس از انقلاب اسلامی شکل برخی رویارویی های فکری تغییر کرده و نمادهای تازه ای برای مراقبت از انقلاب ایجاد شده است، با وجود این هیچ کس نمی تواند نقش تاریخ ساز نمادهای 35 سال قبل در خلق یک نهضت عظیم را فراموش کند. نهضتی که هنوز هم الگویی برای ملت های منطقه است تا راه خود را از راهی که از آن سوی آب ها توصیه می شود، جدا کنند.

هرچند امروز نه می توان از سخنرانی های علی شریعتی در حسینیه ارشاد سراغی گرفت و نه صحبت های پرشور شهید مطهری در مسجد الجواد یا برنامه های مسجد هدایت به مدیریت آیت الله طالقانی؛ اما همچنان میدان آزادی و دانشگاه تهران و میدان شهدا المان هایی پابرجا هستند برای یادآوری خون هایی که 35 سال قبل برای ایجاد جمهوری اسلامی بر زمین ریخته شد و اکنون همگان در برابر این نمادها و خاطراتی که مسبب چنین نمادسازی هایی شدند مسئولند تا در صفوفی به هم پیوسته و نه پراکنده و از هم گسیخته، بر پیمان خود وفادار بمانند.

بهمن، ماه یادآوری است. درست به سان اماکن منسوب به این ماه که بهترین بهانه هستند برای یادآوری شعارها، مطالبات، باورها و آرزوهای انقلابیونی که 35 سال قبل مهر ابطال بر نظام شاهنشاهی زدند. یادآوری نه فقط برای تکرار یک خاطره بلکه با هدف تداوم مبارزه و گم نکردن راه در پیچ و خم حوادث و این ادامه آرمان ها و نه الزاما شکل طرح مطالبات است که امروزه می تواند پویایی انقلاب 57 را تضمین کرده و از آن نهضتی تاریخ ساز و حتی تمدن ساز بسازد.

چنین است که نشانه های دیروز، درست در قامت رسانه های انقلابی، حامل پیام هستند برای نسل امروز که بدون شناخت گذشته، راه به سوی آینده نبرند و فارغ از اندیشه شهدای انقلاب، به کنش سیاسی مبادرت نورزند، چراکه هر ملتی در تداوم آرمان ها و ایستادگی تاریخی بر باورهای خویش است که می تواند آهسته آهسته آینده اش را بسازد و دور باطل «ماندن در حسرت گذشته، گلایه از اکنون و ناامیدی نسبت به آینده» نتیجه ای جز افتادن در سرایشی تاریخ و